

بررسی نقش دانش بومی و سنت‌های محلی زنان در تولید و

مدیریت فرآورده‌های دامی

(مطالعه موردی: روستای ابونصر، شهرستان بوانات)

خدیجه بوزرجمهری*، مهدی، معصومی جشنی** حسنعلی جهانتیغ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۵

چکیده

دامداران در جوامع روستایی جهت پرورش و مدیریت امور دام‌های خود فعالیت‌هایی را به صورت مشترک انجام می‌دهند. در این میان همیاری و همکاری بین دامداران و به‌ویژه زنان روستایی نقش کلیدی ایفا می‌کند. هدف از انجام تحقیق حاضر، شناخت دانش بومی و سنت‌های محلی زنان روستایی ابونصر در تولید و مدیریت فرآورده‌های دامی در شهرستان بوانات استان فارس است. روش تحقیق بر مبنای روش‌های پیمایشی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک‌های کیفی شامل مشاهده مستقیم، مشاهده

* دانشیار جغرافیای و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، (نویسنده مسئول). azar@um.ac.ir

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد.

mahdi.masoumi65@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد.

hassanali.jahantigh@yahoo.com

مشارکتی و مصاحبه سازمان‌یافته استفاده شده است. جامعه آماری شامل ۲۹ نفر زن روستایی دامدار ساکن در روستای ابونصر است که اطلاعاتشان به شیوه کیفی جمع‌آوری و تحلیل شده است. نتایج تحقیق حاکی از وجود دانش بومی و سنت‌های محلی غنی در بین زنان روستایی منطقه است که ناشی از وجود نظام سنتی شیردوشی (دون) و مکانیسم مدیریت شیر و فرآورده‌های لبنی است. نظام دون یک نهاد اجتماعی سنتی برای اعضای است که به صورت مشارکتی در تولید فرآورده‌های دامی فعالیت می‌کنند. این نظام سنتی در ایجاد پیوند اجتماعی قوی بین زنان دامدار مؤثر بوده و علاوه بر ایجاد تسهیلات در فرایند تولید و مدیریت فرآورده‌های لبنی، در افزایش کیفی و کمی تولیدات دامی نیز تأثیر داشته است.

واژه‌های کلیدی: دانش بومی، نظام سنتی دون، سنت‌های محلی،

فرآورده‌های دامی، زنان روستایی، شهرستان بوانات

۱. مقدمه

در دیدگاه بوم‌شناختی، محیط مجموعه‌ای متعادل از موجودات زنده و غیرزنده است، که انسان به‌عنوان یکی از اجزای مهم بخش زنده آن محسوب می‌شود. بوم‌شناسی یا اکولوژی بررسی دانش کنش متقابل میان جانداران و محیط زندگی آن‌هاست (علی بابایی عمرانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۲). اکولوژی فرهنگی دانشی است که جنبه‌های فرهنگی ارتباط انسان با طبیعت پیرامون خود را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. بنابراین یکی از ابعادی که در اکولوژی فرهنگی مورد بحث قرار می‌گیرد، دانش اکولوژیکی بومی در مدیریت محیط‌زیست است (Berkes & et al, 2000: 1252). بیش از سه دهه از آغاز تلاش‌های سازمان یافته بین‌المللی در زمینه پژوهش دانش بومی جوامع سنتی می‌گذرد (راسخی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۸). در ابتدا این پژوهش‌ها صرفاً برای یادگیری فنون و ابزار تولید کشاورزی، معماری و طب سنتی و به‌منظور ابداع

تکنولوژی مناسب (نوعی از فناوری که به محیط‌زیست و انسان‌ها آسیب نمی‌رساند) صورت می‌گرفت، اما صاحب‌نظران توسعه هم‌اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که برای جلوگیری جدی از تبعات زیان‌بار توسعه صنعتی، بهره‌برداری مقطعی و یا دست‌کاری‌های موردی در نظام توسعه صنعتی یعنی فقط جایگزینی تکنولوژی مناسب به‌جای برخی فناوری‌های صنعتی، کافی نیست، پس تلاش گسترده‌ای برای بهره‌برداری فرهنگی و اجتماعی از یافته‌های دانش بومی آغاز شده است. از این رو، پژوهش در زمینه‌هایی چون شیوه‌های سنتی تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، روش‌های یاریگری و شکل‌سازی و نیز شناخت‌شناسی بومی آغاز شده است. قطعاً کاربرد این یافته‌ها در توسعه جوامع دنیا، دگرگونی اساسی و درازمدتی را در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نوید می‌دهد (فرهادی، ۱۳۸۲: ۲۵۲). به‌طوری‌که در دهه‌های اخیر، صاحب‌نظران توسعه در محافل بین‌المللی، بر لزوم برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت منابع به‌طور غیرمتمرکز و با مشارکت مردم محلی تأکید کرده‌اند (راسخی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۸).

در همین راستا در بهره‌برداری از مراتع توسط نهادهای سنتی که تابع نظم و نسق خاصی است، دانش بومی سازگار، همواره عامل تعادل اکولوژیکی محسوب می‌گردد، به‌عنوان مثال رعایت نوعی نظم در زمان ورود و خروج دام به مرتع، تقسیم‌بندی و قرق محدوده‌های عرفی، بذرپاشی و کنترل گیاهان سمی، پراکنش مناسب و مدت توقف دام در مرتع را می‌توان از جمله اقدامات بهره‌برداران بر اساس آگاهی و تجربه شغلی آن‌ها نام برد. این نظم و دانش بومی که به تعبیر امروزی مدیریت نامیده می‌شود، ضامن بقا و حفظ مراتع در ادوار گذشته بوده است (حیدری و سعیدی گراغانی، ۱۳۹۰: ۳۲۰) و نقش بسیار مهمی در اقتصاد جوامع داشته و یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی هر کشوری محسوب می‌شود، زیرا پایه و زیربنای اصلی فعالیت‌های دیگری همچون کشاورزی و دامداری است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). در این میان اقوامی که در نقاط مختلف ایران به دامداری می‌پردازند، متناسب با نوع مرتع موجود، شیوه‌های گوناگونی را برای

بهره‌برداری اتخاذ کرده‌اند. این شیوه‌ها روابط تکنیکی در بهره‌برداری از مراتع را شامل می‌شوند و در مجموع یک نظام بهره‌برداری را شکل می‌دهند که با شرایط محیطی و فرهنگی سازگار هستند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۹۸). بهره‌برداران مراتع با شناخت کامل از گیاهان شاخص مرتعی، دوره چرای دام‌های خود را با معیارهای بهره‌برداری مجاز و توان اکولوژیکی مرتع تنظیم می‌کنند. آن‌ها بوم‌نظام‌هایی را در قلمروها و محدوده‌های عرفی خود دارند که به اندازه مطلوب و بدون آسیب رساندن به پوشش گیاهی مرتع، از آن بهره‌برداری می‌کنند، از این‌رو این نظام‌ها از پایدارترین نظام‌های تولید معیشتی در استفاده از مراتع به شمار می‌آیند (دهقانیان و کهنسال، ۱۳۷۹: ۷۶)، که ریشه در دانش بومی و تجربه‌های شغلی قرن‌های گذشته این مرزوبوم دارند و تا وقتی که جامعه پابرجاست به‌عنوان پایه‌های فرهنگی و فنی به تکامل ادامه می‌دهند (حیدری و سعیدی گراغانی، ۱۳۹۰: ۳۲۰). تجربه نشان می‌دهد که دانش بومی نه تنها با دانش رسمی تعارض و تناقضی ندارد، بلکه ویژگی‌های متفاوت دانش بومی می‌تواند مکمل مناسبی برای دانش رسمی محسوب شود. کارشناسان و متخصصان باید بپذیرند که از مردم محلی هم می‌توان موارد باارزشی را آموخت. شناخت و احترام به دانش بومی مردم و طرح واقعیت برای آنان از مهم‌ترین عوامل جلب مشارکت و ایجاد انگیزه است. ارزش‌های سنتی به‌عنوان بستر و پایه مطالعات همراه با روش‌ها و تکنیک‌های مدرن و نقطه نظرات جاری در زمینه استفاده چندمنظوره و بهینه از منابع، از اهمیت بالایی برخوردار هستند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). امروزه استفاده هم‌زمان از دانش بومی و دانش رسمی، یک استراتژی اساسی است که توسط متخصصان گوناگون برای توسعه کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه مورد تأکید قرار گرفته است تا در مطالعات و تحقیقات خود برای جلب بیشتر مشارکت‌های مردمی، قبل از اجرای طرح‌های مشارکتی به شناسایی دانش بومی و روش‌های سنتی بپردازند (Krywko & Hare, 2008: 889).

واژه دانش بومی برای نخستین بار توسط گیرتز در سال ۱۹۸۳ مطرح شده است. به اعتقاد وی دانش بومی، دانش خاصی است که به‌شدت در موقعیت و بافت خاصی ریشه داشته و رشد کرده است (Herzele & Woerkum, 2008: 444- 456). این دانش شامل مجموعه‌ای از باورها و ایستارها، روش‌ها و سازوکارها و شیوه‌های ساماندهی امور مختلف زندگی مردم است که طی اعصار گذشته شکل‌گرفته است (پاپزن و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۵۰) و طی نسل‌ها و قرن‌ها از تعامل و ارتباط بومیان با محیط اطرافشان به وجود آمده است؛ سپس بر اثر استفاده مکرر و اندوختن تجربیات فراوان در زمینه درست و نادرست بودن آن، به‌صورت مجموعه‌ای از روش‌ها و شیوه‌های گوناگون ارتباط بهینه با محیط درآمده است (افراخته، ۱۳۹۵: ۱۶). در واقع دانش بومی بخشی از سرمایه ملی هر قوم است که باورها، ارزش‌ها و آگاهی‌های محلی آنان را در برمی‌گیرد و حاصل قرن‌ها آزمون و خطا در محیط طبیعی است، که غالباً به‌صورت شفاهی سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۷). این دانش بستری برای تصمیم‌گیری‌های محلی در مورد کشاورزی، بهداشت، آماده‌سازی مواد غذایی، آموزش، مدیریت منابع طبیعی و هر نوع فعالیت دیگری در جوامع روستایی را فراهم می‌کند (عربیون، ۱۳۸۵: ۹۳). و در بسیاری از جنبه‌ها به طراحان برنامه‌های روستایی و محققان کمک می‌کند تا با استفاده از نظرات بومیان و پیشنهادهاى آنها بتوانند استراتژی مناسب و کارآمدی را در حل مسائل توسعه تدوین و تهیه کنند (افراخته، ۱۳۹۵: ۱۵). زیرا دانش بومی مردم ناشی از تجربیات و مشاهدات آنان است که در تعامل با محیط ایجاد شده (Verlinden and Dayot, 2005: 114) و از کارایی بالایی برخوردار است. از آنجایی که حفظ و نگهداری منابع طبیعی از افتخارات پیشینه سنتی ماست، شیوه‌های بومی مدیریت منابع طبیعی، الگوی مناسبی در راستای تحقق توسعه پایدار خواهد بود مشروط بر آن که با دستاوردهای مدرن بشری و دانش رسمی تکمیل گردد.

از جمله شیوه‌های مدیریتی می‌توان به همگردانی مشارکتی و یاریگری بهره‌برداران در روستاهای کشور اشاره کرد که از یکسو بیانگر روحیه مشارکت و تعاون میان بهره‌برداران یک عرصه است و از سوی دیگر تضمینی است بر تبدیل این جوامع بر ارکان اجرایی مؤثر در حفاظت منابع طبیعی. یاریگری از ویژگی‌های جوامع سنتی است، جامعه سنتی ما نیز در گذشته و حال، در موارد گوناگون برای مقابله با دشواری‌های زندگی اجتماعی، به چنین راه‌حلهایی متوسل می‌شده است. فقر اقتصادی، فقدان امنیت، شرایط اقلیمی و جغرافیایی دشوار از سوی و فرهنگ یاری دوست و پر اخوت اسلامی و ایرانی از سوی دیگر، در درازای زمان، به‌ویژه روستاییان و کوچ‌نشینان را هر چه بیشتر به هم وابسته کرده است. برخورد سازنده و هشیارانه با این دشواری‌ها، چه در زمینه تولید و چه در زمینه مبارزه با طبیعت و سایر عرصه‌های اجتماعی، به آفرینش شکل‌های بسیار متنوع و سازگاری از یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در جامعه ایران انجامیده است (فرهادی، ۱۳۸۷: ۱۴). شیوه‌های مشارکت و یاریگری در بهره‌برداری، در مناطق مختلف ایران، متناسب با فرهنگ و شرایط محیطی آن منطقه اتخاذ می‌شود و در نهایت، یک نظام بهره‌برداری پایدار را پدید می‌آورد که ریشه در دانش بومی و تجربه‌های شغلی این مرزوبوم دارد و تا جامعه پابرجاست، به‌عنوان پایه‌های فرهنگی و فنی، به تکامل ادامه می‌دهد (قربانی، ۱۳۹۱: ۸).

یکی از مهم‌ترین تعاونی‌های سنتی در مدیریت شیر دام‌ها در بین گله‌داران ایرانی، تعاونی سنتی "واره" است، که نوعی سازمان غیررسمی تعاونی سنتی اغلب زنان و بسیار کهن با محور اصلی همیاری است. اگرچه محور اصلی مبادله در واره، مبادله پایاپای (شیربه‌شیر) است، اما در حاشیه آن، مبادلات اقتصادی، اجتماعی دیگری نیز اتفاق می‌افتد و همانند دیگر سنت‌های یاریگری در جوامع محلی ایران، واره نیز راه‌حلی اجتماعی و فرهنگی برای استفاده مشارکتی با بهره‌وری بالاتر از منابع بوده است (فرهادی: ۱۳۸۷: ۲۸). با توجه به اهمیت دانش بومی و سنت‌های محلی رایج در زمینه مدیریت و تولید فرآورده‌های شیر دام‌های گوسفندی، نوعی از این تعاونی در بین زنان

روستایی منطقه مورد مطالعه شکل گرفته که "دون"^۱ نام دارد. این تعاونی سنتی مصداق بارزی از همیاری در بین گله‌داران منطقه است که سبب انسجام و اتحاد در بین دامداران شده است. بنابراین هدف تحقیق حاضر بررسی جنبه‌های مختلف دانش بومی و سنت‌های محلی مدیریت و تولید فرآورده‌های دامی در قالب پیوندهای همیاری در شبکه زنان روستای ابونصر شهرستان بوانات، استان فارس است. این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که این تعاونی سنتی چگونه و با چه مکانیزم‌هایی، پیوندهای همیاری در بین شبکه زنان روستایی منطقه را فراهم کرده است؟

۲. پیشینه تحقیق

عباسی (۱۳۸۲)، در پژوهشی با عنوان در جستجوی برکت در قرن بیست و یکم؛ برنامه‌ریزی سیستمی، مسائل توسعه و دانش بومی یاریگری به این مطلب اشاره می‌کند که "واره" سازمانی است سنتی، غیررسمی، کهن و گسترش یافته در اغلب مناطق ایران با کارکردهای مرکب که از تلاش برخی گونه‌های تعاونی بسیار کهن و ماقبل تاریخی زاده شده و به دلیل اقتصادی کردن دامداری معیشتی و نیمه معیشتی در زمینه تولید فرآورده‌های شیری بوده است.

فرهادی (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی گونه شناسی یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در ایران پرداخته و نتایج پژوهش وی نشان داده است که تعاونی‌های سنتی، همان خودیاری، همیاری و دگریاری تشدید یافته است که به سه نوع قابل طبقه‌بندی است: نوع اول تعاونی سنتی با محور اصلی خودیاری مانند "بنه" و دوم، تعاونی سنتی با محور اصلی همیاری مانند "واره" و یا "شیرواره" و سوم تعاونی سنتی با محور اصلی دگریاری مانند "سازمان‌های وقفی".

علی‌بابایی عمران و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی دانش بومی و سنت‌های محلی در تولید و مدیریت محصولات دام گوسفندی (مطالعه موردی: روستای کدیر، استان مازندران) پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که: گله‌داران در روستای مورد مطالعه، برای مدیریت دام و فرآوری شیر، سازمان اجتماعی "عیارزنی" را بر اساس آداب و رسوم محلی شکل داده‌اند، که این سازمان نوعی سرمایه اجتماعی برای بهره‌برداران محسوب می‌شود.

راسخی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی و انسجام اجتماعی در مدیریت شیر دام‌های چراکننده در مرتع (مطالعه موردی: روستای قصر یعقوب، خرم‌بید، استان فارس) پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که: این تشکلهای برخاسته از دانش بومی منطقه هستند و نوعی سرمایه اجتماعی برای بهره‌برداران به شمار می‌روند و نقش مهمی در حفظ و تقویت انسجام اجتماعی و پایداری مؤلفه‌های اقتصادی ساکنان منطقه ایفا می‌نمایند.

رحمانی آزاد و قربانی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی سنت‌های محلی و همیاری در مدیریت شیر دام‌های گوسفندی چراکننده از مراتع - نمونه‌ای از دانش بومی در روستای لزور- پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که: "شیر رفیق" یک نوع نهاد اجتماعی برای تقسیم شیر دام‌ها در بین افراد این نهاد است که در بین گله‌داران پیوندهای اجتماعی و بازدهی تولید فرآوری شیری را هم از لحاظ خودمصرفی و هم از لحاظ بازاری تقویت می‌نماید.

قربانی و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی به بررسی نقش دانش بوم‌شناختی در مدیریت پایدار مراتع در شمال ایران پرداختند و نتایج پژوهش نشان داد که: استراتژی‌های سنتی همچون زمان چرخش دام در مراتع، طبقه‌بندی چشم‌انداز محلی و دانش محلی در مدیریت دام، عواملی ضروری هستند که گله‌داران محلی در بقا و نگهداری از محیط‌زیست، باید آن‌ها را مورد توجه قرار دهند.

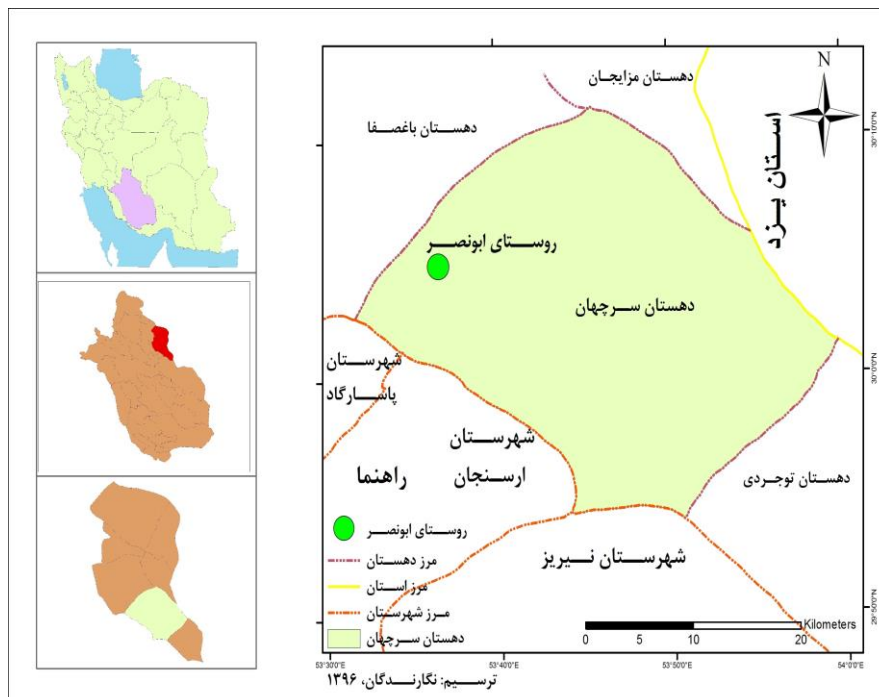
راتینگر و بوسکاوا^۱ (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «استراتژی‌ها و اثرات سازمان‌های تولیدکننده شیر در جمهوری چک» به این نتیجه رسیدند که شش استراتژی تعاونی سنتی بازاریابی شیر در چک وجود دارد که شامل: تأمین امنیت، فروش، قیمت عادلانه، توجه به محیط‌زیست، بازار و نظم و انضباط است اما اولویت و استراتژی اصلی آن‌ها توجه به محیط‌زیست و بازار می‌باشد.

با توجه به چنین پیشینه‌هایی اما هنوز تحقیقات چندانی در رابطه با دانش بومی و سنت‌های محلی تولید و مدیریت محصولات دام گوسفندی در نواحی مختلف ایران، از جمله مکانیسم تعاونی سنتی شیردوشی "دون" صورت نگرفته است. در این راستا با توجه به آن که زنان نقش مهم و مؤثری در فرآوری محصولات دامی در این نظام ایفا می‌کنند، در این تحقیق سعی شده است که ضمن شناخت این تعاونی سنتی، عوامل مؤثر بر مشارکت و همیاری زنان دامدار نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۳. مواد و روش

۳-۱. معرفی منطقه مورد مطالعه

ابونصر روستای کوچکی از توابع بخش سرچهان شهرستان بوانات است که در شمال شرقی استان فارس با مختصات جغرافیایی ۵۳ درجه و ۳۶ دقیقه و ۱۷ ثانیه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۴ دقیقه و ۹ ثانیه عرض جغرافیایی واقع شده است. این روستا در ۱۵ کیلومتری از مرکز بخش و ۶۵ کیلومتری از مرکز شهرستان قرار دارد. ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد ۲۱۲۶ متر و آب‌وهوای آن در بهار و تابستان معتدل و در پاییز و زمستان سرد می‌باشد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۴۱ خانوار و ۱۴۴ نفر جمعیت است و کشاورزی و دام‌پروری از مشاغل اصلی مردم روستا است.



شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه

۳-۲. روش تحقیق

روش این تحقیق پیمایشی و میدانی است و برای جمع‌آوری اطلاعات و ثبت داده‌ها به مدت ۹۰ روز به صورت حضور مداوم در منطقه (روستای ابونصر)، از طریق مشاهده مستقیم و مشارکتی، مصاحبه با گروه‌های هدف یعنی زنان دامدار عضو تعاونی دون و انجام گرفته است. همچنین با استفاده از پرسشنامه باز و نیمه ساختاریافته، ساختارهای اجتماعی و باورهای فرهنگی شناسایی و ثبت گردید. در این روستا ۲۹ زن به صورت مشارکتی و در قالب سه گروه دون (واره) به فعالیتهای دامداری اشتغال دارند که با تکنیک گلوله برفی اطلاعات جامعی از آنها به دست آمد. برای تحلیل دانش بومی رایج در منطقه از روش کالاند (۱۹۹۴) استفاده شد. در این روش برای شناخت کامل دانش سنتی زنان، چندین سطح تحلیلی را می‌توان در نظر گرفت. این سطوح شامل

بررسی نقش دانش بومی و سنت‌های محلی زنان در ... ۱۰۱

شناخت دانش، عملکرد، ساختار اجتماعی، باورها و سنت‌هاست (شکل ۲)، که با شناخت دانش تجربی آغاز شده و در سطح دوم تأکید بر عملکرد دانش بومی دارد. در سومین سطح ساختار اجتماعی مرتبط با دانش بومی مورد توجه قرار می‌گیرد و در بالاترین سطح تحلیل، تمرکز بر شکل‌گیری یک درک منطقی و ادراک زیست‌محیطی است که می‌تواند باورهای بومی، عقاید و سنت‌های محلی را در برگیرد. باید توجه داشت که این چارچوب می‌تواند در تحلیل دانش بومی مؤثر واقع شود و بر اساس آن مؤلفه‌های مختلف دانش بومی قابل بررسی و تحلیل هستند.



شکل ۲- سطوح تحلیل در تحلیل بدنه دانش بومی (Kalland, 1994)

۴. یافته‌های پژوهش

در روستای مورد مطالعه (ابونصر)، تعداد ۲۹ دامدار در تشکیل ۳ گله (۳۰۰ رأسی)، به‌طور مشارکتی و با همکاری یکدیگر برای مدیریت دام، از مراتع روستا استفاده می‌کنند. آنان دام‌های خود را به‌صورت گُماری^۱ (هر ده گوسفند یک روز گُمار) در مراتع بوته‌ای، جنگلی و زمین‌های آیش روستا به چرا می‌برند و چنین شکل سنتی سبب پیوندها و شبکه‌های اجتماعی قوی در بین آنان شده که وجود همین شبکه‌ها نقش اساسی را در بهره‌برداری بهینه از مراتع و تأمین نیازهای اقتصادی دامداران ایفا نموده است. مهم‌ترین یافته‌های نهاد و تعاونی بومی دون که یک ساختار سنتی اجتماعی زنان در ارتباط با تولید و مدیریت فرآورده‌های لبنی است به شرح زیر است:

۴-۱. نهاد و ساختار اجتماعی زنان در نظام تعاونی دون

زنان روستایی در نقاط مختلف ایران به فعالیت‌های اقتصادی گوناگونی مشغول هستند و در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی روستا مشارکت فعالانه‌ای دارند. آنان در جوامع روستایی همگام و پا به پای مردان خانواده به فعالیت‌های کشاورزی، دوشیدن شیر و مدیریت و تهیه محصولات لبنی اشتغال دارند. در این بین زنان روستای ابونصر شناخت کاملی از ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری دام‌های خود دارند، تک‌تک دام‌های خود را هنگامی که گله به ظُهردان^۲ می‌رسد، می‌شناسند. آنان از یک حافظه اکولوژیکی قوی برخوردارند، و به طرق مختلف (رنگ صورت، صدای دام‌ها، داشتن یا نداشتن شیر) می‌توانند دام‌ها را شناسایی نمایند. این حافظه به آنان در مدیریت دام در مرتع و بهره‌برداری کمک زیادی می‌کند و اغلب در فضاهای گروهی و جمعی شکل می‌گیرد.

۱- با توجه به تعداد کم دام‌های هر خانوار، اهالی روستا دام‌های خود را در یک یا چند گله ترکیب می‌کنند و هر

شریک گله، به ازای هر ده رأس دام، یک روز به همراه دام‌ها برای چرا می‌رود.

۲- هنگام ظُهر که چوپان دام‌ها را برای دوشیدن و استراحت به روستا می‌آورد ظُهردان گفته می‌شود.

دامداران با توجه به نزدیکی روستا به مراتع اطراف، از نیمه‌های پاییز تا اواسط فروردین هر روز صبح ساعت ۷ دام‌های خود را به چوپان که به صورت گُماری است برای چرا تحویل می‌دهند و عصر ساعت ۱۶ یا ۱۷ دام‌ها را به خانه برگردانده و شب در گِلدونی (آغل) نگهداری می‌کنند. اما دام‌ها از اواسط فروردین به صورت شبانه‌روزی تا اواسط پاییز به مراتع روستا که به صورت مشاعی به اهالی تعلق دارد، برده می‌شوند و رأس ساعت ۱۲ ظهر هر روز به روستا برگردانده می‌شوند تا زنان فعالیت شیردوشی - از نیمه فروردین‌ماه تا اواسط شهریورماه - را انجام دهند و بعد از دو ساعت استراحت و «پی»^۱ کردن کهره و بره‌ها، دوباره گوسفندان را به چوپان می‌سپارند تا روز بعد و عملیات به همین منوال تکرار می‌شود تا اواسط پاییز. این چرخه شیردوشی که به زبان محلی «دون» نامیده می‌شود در واقع نوعی نهاد اجتماعی در میان زنان روستا است. این چرخه از سنت کهن شیردوشی واره پیروی می‌کند و از دیرباز با نام‌های مختلف در مناطق مختلف کشور رایج بوده است. نظام دون از دو یا سه هم‌دون تشکیل می‌شود یعنی هرچند نفر زن بر اساس مقدار شیری که دام‌های آنان دارند به‌عنوان هم‌دون انتخاب می‌شوند. ، از بین آن‌ها یکی که بیشترین مقدار شیر را دارد سردون می‌شود و شیرها را برمی‌دارد و این چرخه تا زمانی که سایر هم‌دون‌ها از همدیگر شیر بردارند ادامه دارد. بنابراین «سردون» نقش مهمی در این ساختار دارد. در این نظام زنان روابط صمیمانه و دوستانه‌ای با هم برقرار می‌کنند که باعث اتحاد و دلگرمی در بین اعضای دون می‌شود.

۴-۲. دانش‌ها و فناوری‌های بومی شیردوشی در تعاونی دون

چنان که آمد عملیات شیردوشی از نیمه‌های فروردین‌ماه که گله‌های روستا برای چرا به صورت شبانه‌روزی برده می‌شوند آغاز می‌شود و گله‌ها بعد از شیردوشی و

۱- زمانی که شیردوشی تمام می‌شود، کهره‌ها و بره‌ها را برای خوردن شیر به پای مادرها رها می‌کنند که به این عمل «پی کردن» گفته می‌شود.

استراحت، ساعت ۱۴ برای ادامه چرا به مراتع برده می‌شوند تا ساعت ۱۲ روز بعد که مجدد با چوبان به روستا بازمی‌گردند. در هنگام شیردوشی، زنان ابتدا پستان دام را با شیرتر می‌کنند و معتقدند این عمل باعث نرم شدن پستان دام شده و از زخم شدن آن جلوگیری می‌کند، و فرایند شیردوشی نیز با سهولت بیشتری انجام می‌گیرد.

یکی از کارهایی که زنان و مردان روستا برای محافظت از خود در هنگام دوشیدن شیر انجام می‌دهند، بستن چپیه یا روسری و زدن ماسک به صورت و جلوی دهان است. تا مانع نیش زدن حشره‌ای که در اصطلاح محلی «سیسبو»^۱ می‌گویند، شوند. این حشره به بوی شیر علاقه زیادی داشته و برای دامداران مزاحمت ایجاد می‌کند. به گفته اهالی نیش این حشره بسیار خطرناک بوده و باعث ایجاد کرم کوچکی در گلو یا چشم شده و موجب سرفه‌های شدید یا چشم‌درد می‌شود. برای مقابله با این کرم و از بین بردن آن، فرد مصدوم باید تکه گوشتی را که به نخی بسته شده بلعیده و بعد آن را از گلو بیرون بکشد یا مقداری سیر را در گلو فروبرده و دوباره آن را درآورد. این اعمال باعث می‌شود که کرم به گوشت یا سیر چسبیده و از گلو خارج شود. با این شیوه بومی سرفه‌های فرد تسکین و معالجه می‌شود.

در نظام دون، شیر گوسفندان و بزهایی که کهره و بره کوچک^۲ دارند، را کمتر دوشیده می‌شود، یا اصلاً نمی‌دوشند تا بزرگ و چاق شوند. ولی دام‌هایی که به اصطلاح محلی «لجم»^۳ و بدون کهره و بره هستند و همچنین دام‌های «قوصی»^۴ که کهره و بره‌های آن‌ها در اواخر پاییز و زمستان به دنیا آمده‌اند را به‌طور کامل می‌دوشند. بعد از شیردوشی، کهره و بره‌ها را «پی» می‌کنند تا از شیر مادر خود تغذیه کنند. بعد از بزرگ‌تر شدن آن‌ها (اوایل خرداد) و قبل از اضافه کردن به گله و رفتن به مرتع و چرا،

1. Sisbu

۲- در محل کرپه می‌گویند

3. Lajam
4. ghosi

مقدمات و عملیاتی انجام می‌گیرد که در اصطلاح محلی «رگا» می‌گویند. یعنی طی یک ماه کهره و بره‌ها را از شیر مادر می‌گیرند. بدین منظور «گم» که تکه چوبی از درخت گز است را به صورت افقی در دهان حیوان قرار داده و با نخ به گوشش می‌بندند و با این عمل مانع از شیرخوردن کهره و بره‌ها می‌شوند.

۴-۳. سنت‌های محلی نظام تعاونی دون و شبکه اجتماعی زنان

هنگامی که گله به ژهردان می‌آید، زنان دام‌ها را در آغل، حیاط گلدونی یا در فضای محصور کنار گلدونی انتقال می‌دهند و شیر دام‌ها را در سطل یا دیگبر (ظرف بزرگ و سنگین) می‌دوشند. با اتمام دوشیدن شیر زنان هر گله به صورت جداگانه در نظام دون یک شبکه اجتماعی محلی را تشکیل می‌دهند. به این صورت که بر اساس مقدار شیر به دو یا سه گروه هم‌دون تقسیم می‌شوند، به طوری که هر سه یا چهار نفر در یک گروه هم‌دون در قرض دادن و قرض گرفتن شیر شریک می‌شوند و در هر گروه یک نفر به عنوان سردون انتخاب می‌شود و شیر هم‌دون‌های خود را برمی‌دارد و در نهایت تمام این سردون‌ها کل شیر را طبق توافق بین طرفین به یک سردون یا به کسی که بیشترین مقدار شیر را دارد، می‌دهند. این فرایند به صورت چرخه‌ای تا اواخر تابستان که دام‌ها شیر دارند، ادامه می‌یابد. در این روستا نظام گله‌داری و دون با هم یکی است. به طوری که افرادی که در یک گله شریک هستند، زنان آن‌ها نیز در دون شریک اند. زنان هم‌دون در هر چرخه، شیر دام‌های خود را به سردون هر گروه قرض می‌دهد و سردون‌ها نیز به سردون اصلی. این چرخه زمانی پایان می‌یابد که تمام اعضای هم‌دون یک‌بار شیر از سایر اعضای هم‌دون دریافت کرده باشند. در نظام دون تمام زنان وظیفه دارند مقدار شیری را که به اعضای هم‌دون قرض می‌دهند یا قرض می‌گیرند را به خاطر بسپارند و در دفتر مخصوصی یادداشت کنند. یعنی مقدار شیری را که هر روز مثلاً یک اوگردون (آب‌گردان) بزرگ، یا یک اوگردون کوچک، یا یک

شربتی بزرگ^۱) به اعضا قرض می‌دهند یا قرض می‌گیرند را ثبت می‌کنند و شیرهایی را که قرض داده اند از هم‌دون‌ها پس می‌گیرند (تسویه می‌کنند). همچنین در این نظام میزان شیر دام‌ها به میزان علوفه و کیفیت در دسترس بودن آن بستگی دارد. در فصل بهار که دام‌ها به علوفه‌های سبز و باکیفیت دسترسی دارند، میزان شیر آن‌ها بیشتر است. نژاد گوسفندان روستا، ترکی محلی است. در کل شیر بزها در شرایط عادی نسبت به گوسفندان (میش‌ها) بیشتر است، به طوری که از هر رأس بز در هر نوبت، نیم کیلو شیر دوشیده می‌شود ولی از میش‌ها حدود ۲۵۰ گرم. اما شیر میش‌ها چربی بیشتری دارد. حداکثر میزان شیر از اواخر اردیبهشت‌ماه تا نیمه‌های خردادماه است و بعد از آن که بره‌ها و کهره‌ها «رگا» شدند (بزرگ و از شیر گرفته شدند)، میزان شیر دام‌ها نیز بتدریج کاهش یافته تا کاملاً خشک یا قطع می‌شود. ضمناً در اوایل بهار شیر دام‌ها چربی کمتری دارد ولی باگذشت زمان و خشک شدن علوفه‌ها گرچه میزان شیر کاهش می‌یابد ولی چربی و کیفیت آن افزایش می‌یابد.

۴-۴. وسایل و ابزارهای پیمانندن شیر در نظام دون

زنان برای پیمانندن شیر دام‌ها و قرض دادن یا قرض گرفتن شیر از ظروف مختلفی استفاده می‌کنند. اسامی آن‌ها به ترتیب از بزرگ به کوچک عبارت‌اند از: دیگ، که برای جوشاندن شیر استفاده می‌شود. ظرف بعدی دیگ‌بر یا قُلُو است که بزرگ‌ترین وسیله پیمانندن شیر است و حدود ۶ یا ۷ آبگردان ظرفیت دارد. سومین پیمانه «اوگردون» یا آبگردان بزرگ است که حدود دو آبگردان کوچک یا ۶ تا ۷ شربتی (شرطی) بزرگ گنجایش دارد. چهارمین ظرف پیمانه اوگردون یا آبگردان کوچک است که معادل ۳ یا ۴ شربتی (شرطی) بزرگ گنجایش دارد. پیمانه بعدی شربتی (شرطی)

۱- وسایل پیمایش شیر در نظام دون که توسط زنان مورد استفاده قرار می‌گیرند (شکل شماره ۳).

بررسی نقش دانش بومی و سنت‌های محلی زنان در ... ۱۰۷

بزرگ است که معادل دو شربتی کوچک گنجایش دارد و کوچک‌ترین ظرف پیمایش، شربتی (شرطی) کوچک است (شکل شماره ۳).



شکل ۳- ظروف پیمایش شیر در نظام دون، منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

۴-۵. کیفیت شیر و مدیریت تهیه فرآورده‌های لبنی در نظام دون

در اوایل فصل بهار که میزان شیر دام‌ها بیشتر ولی چربی آن کمتر است، زنان از شیر دام‌ها برای تهیه فرآورده‌هایی همچون ماست، کره، روغن پاک، کشک، قره، چیکلیک (چکلوک) و دوغ استفاده می‌کنند، زیرا این محصولات در اوایل بهار مشتری بیشتری دارند و می‌توانند آنها را به مدت طولانی‌تری نگهداری کنند. از نیمه‌های خردادماه که میزان شیر دام کاهش یافته ولی چربی و کیفیت شیر بیشتر و بهتر می‌شود،

تولید پنیر انجام می‌گیرد. ضمناً پنیری که از شیر میش تهیه می‌شود به دلیل چربی بیشتر، خوشمزه‌تر ولی گران‌تر از پنیر بزی است. در جدول شماره ۱ فرآورده‌های لبنی نظام دون در روستای ابونصر به همراه مشخصات آنها (قیمت، فصل تولید، مواد مصرفی) آمده است.

جدول ۱- مشخصات کامل فرآورده‌های لبنی در نظام دون روستای ابونصر

نام فرآورده	تهیه شده از	میزان مواد اولیه	میزان تولید به کیلوگرم	قیمت (تومان)	موارد مصرف	فصل تهیه
ماست	شیر	۱ آبگردان	-	مصرف خانگی	همراه غذا	بهار و تابستان
کره	خامه (چربی شیر)	کل خامه (دو، سه روز شیر)	۷ تا ۱۰ کیلو	۶۰۰۰۰- ۵۰۰۰۰	صبحانه و فروش	بهار
روغن پاک*	کره	۱ کیلو	۷۵۰ گرم	۱۲۰۰۰۰	صبحانه، تهیه غذا و فروش	بهار
چیکلیک	دوراغ	کل ماست دو، سه روز شیر پیمانه شده و جوشانده شده		۹۰۰۰	فروش	بهار
کشک	چیکلیک	۲۰ کیلوگرم	۱۰ کیلوگرم	۱۷۵۰۰	تهیه غذا و فروش	بهار
قره	از آب چیکلیک	۱۰ کیلوگرم	۱-۱/۵ کیلوگرم	۵۰۰۰	فروش	بهار
دوغ	ماست (خامه) و آب	۱۰ کیلوگرم	۱۰ کیلوگرم	مصرف خانوار	همراه غذا	بهار
پنیر	شیر	کل شیر یک روز در نظام	۳-۴	۵۵۰۰۰-	صبحانه، شام	تابستان

	دون	کیلوگرم	۵۰۰۰۰	و فروش
--	-----	---------	-------	--------

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶. *روغنی است که از آب‌کردن کره به دست می‌آید

۶-۴. روش تهیه پنیر در نظام دون

در نظام دون برای تهیه پنیر، زنان شیر دوشیده شده را بعد از پیمانندن، صاف می‌کنند و در دیگ ریخته و صاف می‌کنند تا آشغال‌های شیر (خاک، کاه که هنگام دوشیدن داخل ظرف ریخته می‌شود) گرفته شود. سپس شیر را در چند دیگبر ریخته و در معرض نور خورشید قرار می‌دهند و مایه‌پنیر را به آن اضافه می‌کنند. مایه‌پنیر از شیر آغوز و طی یک سال تهیه می‌شود. معمولاً یک روز قبل آن را در کیسه کوچکی ریخته و در آب قرار می‌دهند تا مایه خوب خیس‌خورده و سپس آن را در ظرف کوچکی مالیده و به شیر اضافه می‌کنند و روی شیر را که در معرض نور آفتاب قرار دارد، با پتو می‌پوشانند تا شیر به‌صورت دلمه درآید، بعد از آن روی دیگبرها، آب سرد یا یخ می‌ریزند تا دلمه خنک شود و بعد آن را در کیسه‌های مخصوص می‌گذارند و به سه‌پایه یا میخ‌های بزرگ روی دیوار آویزان می‌کنند تا آب آن گرفته شود و سپس دلمه را از کیسه خارج کرده و مقداری نمک به آن می‌زنند و در پوست کهره می‌گذارند. البته قبل از آن باید این پوست در آب قره گذاشته شود و با چاقو (کارد) صاف و تمیز شود. در انتهای کار پوست را در محلی خشک و خنک نگهداری می‌کنند تا دلمه آهسته‌آهسته به پنیر تبدیل شود. همچنین هر شب پوست را در هوای آزاد به دار می‌آویزند تا خنک شود و بعد از سه یا چهار هفته پنیر را از پوست درآورده و مجدد نمک می‌زنند و دوباره به پوست برمی‌گردانند تا پنیر خوب رسیده و قابل‌استفاده شود. این پنیر از قابلیت بالایی برای نگهداری برخوردار است و می‌تواند به مدت یک سال مورد استفاده خانوار قرار گیرد. این پنیر از شیری که چربی آن گرفته نشده درست می‌شود و سرشار از چربی و کالری است. همچنین از معایب این روش نجوشاندن شیر است که احتمال دارد میکروب‌های شیر از بین نرود.

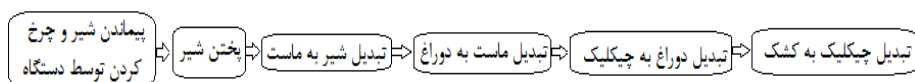
۴-۷. روش تهیه کشک

برای تهیه کشک زنان شیر دوشیده شده را بعد از پیمانندن صاف می‌کنند و کل شیر را در دیگ ریخته و تمام شیر را چرخ می‌کنند تا خامه و چربی از شیر جدا شود و سپس در یک دیگ بزرگ بر روی اجاق می‌گذارند، وقتی به جوش آمد، آن را در دیگ تمیز دیگری ریخته و در انباری می‌گذارند و بعد از کمی سرد شدن که معمولاً با انگشت دست دمای مناسب را تشخیص می‌دهند، مایه ماست را به شیر اضافه می‌کنند و روی آن را با پتو می‌پوشانند تا ماست درست شود. سپس روی ظرف را باز می‌کنند و این کار تا زمانی که دون برای یک نفر است، ادامه پیدا می‌کند و یک یا دو روز بعد از این که دون فرد تمام شد در اول صبح با کمک دو یا سه نفر از هم‌دون‌ها ماست‌هایی را که از شیر دام‌ها در نظام دون به فرد رسیده، در یک دیگ بزرگ بر روی اجاق می‌گذارند و با یک شپو^۱ (از یک بوته بنام کشکو و بستن آن به یک چوب متوسط درست می‌شود) ماست را هم می‌زنند تا به صورت دوراغ درآید و سپس آن را در ظرف‌هایی می‌ریزند و با چوب یا ملاقه‌ای آن را هم می‌زنند تا سرد و خنک شود. بعد از خنک شدن، دوراغ را در کیسه‌های پارچه‌ای سفیدی می‌ریزند تا آب آن جدا شود، از گرفتن آب دوراغ و جوشاندن آن قره به دست می‌آید. روی کیسه دوراغ را به مدت یک شب سنگ می‌گذارند تا کاملاً آب آن گرفته شود و به صورت چیکلیک درآید. صبح روز بعد زنان هم‌دون در باغچه یا حیاط صاحب دون جمع می‌شوند و شروع به مالیدن و تکه‌تکه کردن چیکلیک با دست بر روی یک چق^۲ (از نی و بند درست شده) می‌کنند (شکل شماره ۴) و بعد از یک روز آفتاب و هوا خوردن و خشک شدن چیکلیک‌های تکه‌تکه و مالیده شده، کشک تهیه می‌شود (نمودار شماره ۱).

1. shappo
2. Chegh



شکل ۴- خشک کردن کشک بر روی چق



نمودار شماره ۱: نحوه تولید کشک در نظام دون، منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶.

۴-۸. مزایا و اثرات تعاونی سنتی دون برای زنان روستا

نظام سنتی دون برای زنان روستا فواید بسیاری دارد؛ از جمله می‌توان به کاهش حجم کار و فعالیت زنان در روستا اشاره نمود. به طوری که نیازی نیست آنان هر روز با مقدار کمی شیر که از دام‌ها می‌دوشند کل فرایند تهیه و تولید فرآورده‌های دامی را انجام دهند. این نظام به زنان این توانایی را می‌دهد که در دو یا سه روز با قرض گرفتن کل حجم شیر گله از شرکای خود و یا بعضی اوقات با قرض گرفتن از سردون گله دیگر روستا، تهیه محصولات لبنی به راحتی و با حجم بیشتری انجام گیرد. همچنین این امر منجر به بهره‌وری اقتصادی، خودکفایی، امرارمعاش و اقتصاد پایدار روستاییان نیز

می‌شود. در این نظام بین زنان هم‌دون روابط صمیمانه و نزدیکی برقرار می‌گردد. در واقع این ارتباط هرروزه، طی (۱۸۰ روز) شش ماه از سال، به همدلی عمیق و دوستی در بین آنان منجر می‌شود تا جایی که گاهی حتی این همدلی بین آن‌ها بیشتر از ارتباط آن‌ها با اقوام و خویشاوندان نزدیک می‌شود، طوری که ضمن کمک به یکدیگر در تولید محصولات دامی، مشورت و راهنمایی‌های مختلفی را از هم می‌گیرند که در نهایت باعث افزایش سطح اعتماد و اطمینان بین آنان می‌شود.

۴-۹. عقاید و باورهای فرهنگی در ارتباط با مدیریت شیر دام‌ها در نظام دون

زنان اعتقاد دارند که پیمانندن و ریختن شیر دوشیده شده از دام‌های مربوط به هر یک از شرکا بر روی هم باعث تقویت روحیه همکاری و مشارکت، انسجام اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس، افزایش بازدهی و صرفه‌جویی در وقت آنان می‌شود. همچنین باعث برکت بیشتر شیر شده و محصولات لبنی تولیدی، به لحاظ کیفیت و کمیت مرغوب‌تر و به‌صرفه‌تر باشد.

از جمله سنت‌های رایج و حائز اهمیت در نظام دون این است که ظهر روز اول (نیمه فروردین‌ماه) که گله‌ها توسط چوپان‌ها برای چرای شبانه‌روزی به مراتع برده می‌شوند، اهالی روستا گله‌ها را از میان آب‌و‌آتش و از زیر قرآن عبور می‌دهند و اعتقاد دارند که با این کار در واقع اول دام‌ها را به خدا و بعد از آن به چوپان‌ها می‌سپارند. ظهر روز بعد که گله‌ها را چوپان‌ها برای ظهردان برمی‌گردانند، زنان دامدار هر گله و هر نظام دون به استقبال چوپان‌ها می‌روند و به آن‌ها شیرینی و پول می‌دهند و تشکر می‌کنند. باور فرهنگی دیگر در بین مردم روستای ابونصر این است که اهالی روستا اعتقاد دارند که در زمان غروب آفتاب که اصطلاحاً به آن "زرده شوم" می‌گویند، مواد خوراکی سفیدی شامل ماست، تخم‌مرغ، آرد، شیر و... که موجب برکت در خانه است را نباید به‌عنوان هدیه، قرض یا فروش از خانه خارج کرد؛ زیرا باعث بدبینی یا بی‌برکتی شده و سبب اتفاقات ناخوشایند دیگری برای خانواده و یا مال و اموال آن‌ها می‌شود.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

دانش بومی، حاصل قرن‌ها آزمون و خطا در محیط طبیعی، اقتصادی و اجتماعی است. مطالعات نشان می‌دهد که نظام‌های دانش بومی، حاکی از آن است که این دانش به دلیل سیستمی بودن، انعطاف، حفظ تنوع زیستی، متکی بودن بر نیازها، مشارکتی بودن، در دسترس و ارزان بودن، حفظ تعادل محیط زیست، چندبعدی بودن و منطبق بودن بر فرهنگ مردم می‌تواند در فرایند توسعه پایدار روستایی نقش مهمی ایفا کند (ارفعی و زند، ۱۳۹۰: ۹۴). در واقع دانش بومی از نیازهای حقیقی و امکانات و محدودیت‌های محیطی سرچشمه می‌گیرد، پس دارای مناسب‌ترین سازگاری با اوضاع هر منطقه است (رستمی، ۱۳۸۵: ۵۷). دانش بومی زیست‌محیطی نقش بسیار مهمی در مدیریت پایدار منابع طبیعی و فعالیت‌های دامداری ایفا می‌کند به طوری که اقوامی که در نقاط مختلف ایران به دامداری مشغول‌اند، متناسب با نوع طبیعت خود شیوه‌های گوناگونی را برای بهره‌برداری اتخاذ کرده‌اند. این شیوه‌ها شامل روابط تکنیکی‌ای است که در بهره‌برداری از عرصه‌های طبیعی یک مجموعه نظام بهره‌برداری را شکل می‌دهد که با شرایط محیطی و فرهنگی سازگار است (علی بابایی عمران و همکاران: ۱۳۸۰، ۸۰). از سال‌ها پیش دامداران به نقش مشارکت و همیاری در امور گله‌داری پی برده‌اند، و بسیاری از کارها را به صورت گروهی انجام می‌دادند بر این اساس شیوه‌های مشارکت و یاریگری در بهره‌برداری در مناطق مختلف ایران متناسب با فرهنگ و شرایط محیطی آن منطقه اتخاذ می‌شوند و در نهایت، یک نظام بهره‌برداری پایدار را پدید می‌آورند که ریشه در دانش بومی و تجربه‌های شغلی قرن‌های گذشته این مرزوبوم دارد و تا جامعه پابرجاست، به عنوان پایه‌های فرهنگی و فنی، به تکامل ادامه می‌دهند (راسخی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲۸). دامداران روستای مورد مطالعه با توجه به رواج داشتن شغل‌های کشاورزی و دامداری و مشاع بودن مراتع روستا، به صورت مشارکتی به بهره‌برداری از مراتع می‌پرداخته‌اند. همان‌طور که در این تحقیق نیز بیان شده زنان

روستایی با حفظ دانش بومی و سنت‌های محلی برای تولید و مدیریت فرآورده‌های دامی در نظام تعاونی سنتی دون به مشارکت و یاری یکدیگر در تولید و فرآوری محصولات لبنی در روستای ابونصر از توابع شهرستان بوانات می‌پردازند. نظام دون، علاوه بر جلوگیری از دوباره‌کاری و صرفه‌جویی در وقت زنان، باعث تقویت روحیه همکاری و مشارکت در میان زنان روستا می‌شود، که این امر باعث مستحکم‌تر شدن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بین آنان می‌گردد. در واقع استفاده از دانش بومی و سنت‌های محلی در تولید و مدیریت فرآورده‌های لبنی از شیر دام‌ها در نظام دون در منطقه مورد مطالعه نشان از انسجام و استحکام این نظام در بین دامداران روستای مورد مطالعه (ابونصر) دارد.

طبق تحقیقی که علی‌بابایی عمران و همکاران (۱۳۹۲) در استان مازندران در روستای کدیر در رابطه با سنت‌های محلی در مدیریت شیر دام‌های گوسفندی در جنگل‌های شمال کشور انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیدند که نوعی تعاونی سنتی بنام (عیارزنی) در تابستان بین صاحبان گله‌های گوسفندی برای تقسیم‌بندی محصولات شیری وجود دارد. عیارزنی نوعی نهاد اجتماعی در میان افراد روستای کدیر برای مدیریت شیر دام‌های گوسفندی به شمار می‌رود و بر اساس آن صاحبان دام‌های گوسفندی شیر و محصولات لبنی را در ییلاقات بین یکدیگر تقسیم می‌نمایند. همچنین در تحقیق دیگر که توسط رحمانی آزاد و قربانی (۱۳۹۵) پیرامون سنت‌های محلی و همیاری در مدیریت شیر دام‌های گوسفندی چراکننده از مرتع در روستای لزور انجام گرفته، به این نتیجه رسیدند که نوعی تعاونی سنتی بنام (چکنه) بین صاحبان دام‌ها برای تقسیم محصولات شیری وجود دارد، که در طول تابستان شکل می‌گیرد، صاحبان گله با تعداد دام محدود دام‌های خود را در یک واحد دامی بزرگ‌تر متحد می‌کنند سپس افراد با توجه به تعداد دامی که دارند در یک نهاد اجتماعی بنام (شیر رفیق) تقسیم‌بندی می‌شوند به طوری که با توجه به تعداد دام هر فرد روزهایی که شیر به تک تک شرکا اختصاص می‌یابد را مشخص می‌کنند.

در نظام دون زنان دامدار با قرض دادن شیر دام‌های خود به یکدیگر و یکی کردن شیر دام‌ها، در فصول بهار و تابستان حجم شیر را افزایش می‌دهند که این کار باعث افزایش کیفیت و کمیت فرآورده‌های لبنی تولیدشده و بهره‌وری اقتصادی و امرارمعاش پایدار دامداران می‌گردد. همکاری و مشارکت زنان در قالب نظام دون، علاوه بر این که، باعث سهولت اجرای فرایند فرآوری می‌شود، موجب ایجاد روابط صمیمانه و دوستانه و تقویت روابط اجتماعی در بین زنان روستا با همسایگان و هم‌دون‌ها نیز می‌شود. فرهادی در کتاب واره بیان می‌کند که گاه با حذف تمام دلایل اقتصادی، زن‌ها در نظام واره باقی می‌مانند و این بی‌تردید به سبب کارکردهای اجتماعی و روانی و کارکردهای تفریحی - آموزشی این نظام است، که می‌توان آن‌ها را کارکردهای پنهانی واره نامید. عضویت در واره همچنین پاسخگوی نیاز زنان به درد و دل کردن و مشورت درباره مسائل مختلف است. نیاز اجتماعی زنان به حفظ استقلال مالی و فنی از مردان نیز از دیگر انگیزه‌های همبستگی زنان در شکل واره است؛ این امر موجب تقویت حس اقتدار مدیریت در میان زنان می‌شود. در واقع در نظام واره، رعایت اصول فرهنگی و پایبندی به مراسم خاص واره‌داری نقش مهمی در عملکرد مؤثر و ایجاد هماهنگی در این شکل دارد. به طوری که جنبه‌های فرهنگی نقش اصلی را در تداوم و پایداری این نظام اقتصادی و اجتماعی بر عهده‌دارند (فرهادی، ۱۳۸۲: ۱۳۲). عقاید و سننی که در رابطه با مدیریت و تولید محصولات لبنی از شیر دام‌ها در بین زنان شکل گرفته جزئی از فرهنگ دامداران روستای ابونصر است، که با از بین رفتن آن‌ها می‌تواند موجب ناپایداری اجتماعی و طبیعی و در نهایت زوال و نابودی کل سیستم شود. در نظام دون پنیر به روش سنتی درست می‌شود که این روش دارای مزایا و معایبی می‌باشد، از جمله مزایای آن می‌توان به قابلیت بالایی نگهداری به مدت یک سال و کیفیت بالای آن اشاره نمود. از معایب آن نجوشاندن شیر است که احتمال میکروب دار بودن آن زیاد است.

در نهایت دانش سنتی در شکل‌گیری پایه‌های اقتصادی و معیشتی مردمان هر منطقه نقش اصلی را بر عهده دارد، به طوری که از بین رفتن این پایه‌ها موجب ناپایداری اجتماعی و طبیعی و در نهایت نابودی سنت‌ها، عقاید و معیشت مردم آن منطقه می‌گردد. تعاونی‌های سنتی مانند: نظام دون که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته است، می‌توانند به عنوان یکی از روش‌های روبکرد مشارکتی برای بهره‌برداری و حفاظت از منابع طبیعی، اجتماعی و فرهنگی محسوب شوند. اساس کار در مدیریت مشارکتی نهادگرایی است که بدون تردید نهادهای اجتماعی مانند دون، عیارزنی و شیر رفیق که بر اساس آداب و سنن محلی هر منطقه شکل گرفته‌اند، می‌توانند نقش بسیار مهمی در مدیریت مشارکتی از منابع طبیعی مانند: عرصه‌های جنگلی و مرتعی در هر منطقه داشته باشند. در واقع با سهیم کردن و نظرخواهی و کمک گرفتن از تشکلهای بومی و نهادهای اجتماعی محلی می‌توان زمینه تقویت مسئولیت‌پذیری این نهادها و تشکلهای را در روند اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌ها و طرح‌ها در مناطق روستایی فراهم نمود که این کار می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های انجام طرح‌ها و پروژه‌های طبیعی در این مناطق و به ثمر نشستن این طرح‌ها در زمان کوتاه‌تری شود.

منابع

- ارفعی، معصومه و زند، آزیتا (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر دانش بومی در مصرف بهینه آب در بخش کشاورزی، *پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، سال ۴، شماره ۳.
- افراخته، حسن (۱۳۹۵)، *رویکردهای برنامه‌ریزی روستایی ایران از منظر بومی‌سازی*، تهران، انتشارات دانشگاه خوارزمی.
- پاپ‌زن، عبدالمجید، حسینی، سید محمود، ازکیا، مصطفی و عمادی، محمدحسین (۱۳۸۲)، راهبرد برتر برای توسعه روستایی: علمی کردن دانش بومی و بومی

بررسی نقش دانش بومی و سنت‌های محلی زنان در ... ۱۱۷

کردن دانش علمی، *مجموعه مقالات کنگره توسعه روستایی، چالش‌ها و چشم‌اندازها*، تهران، موسسه توسعه روستایی ایران.

- پاپلی یزدی، محمدحسین و لباف خانیکی، مجید (۱۳۸۰)، مرتع: نظام‌های بهره‌برداری، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، دوره ۱۵، شماره ۲-۱.

- حیدری، قدرت‌الله و سعیدی گراغانی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، معرفی دانش بومی بهره‌برداران مراتع در صنعت اکوتوریسم مطالعه موردی: مراتع بیلاقی دماوند بخش لاریجان، *اولین همایش بین‌المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار*، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

- دهقانیان، سیاوش و کهنسال، محمدرضا (۱۳۷۹)، بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۸، شماره ۲۹.

- راسخی، ساره، قربانی، مهدی، مهربانی، علی‌اکبر، جوادی، سید اکبر (۱۳۹۳)، بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی و انسجام اجتماعی در مدیریت شیر دام‌های چراکننده در مرتع (مطالعه موردی: روستای قصر یعقوب، خرم‌بید، استان فارس)، *نشریه مرتع و آبخیزداری*، مجله منابع طبیعی ایران، دوره ۶۷، شماره ۲.

- رحمانی آزاد، الهام و قربانی، مهدی (۱۳۹۵)، سنت‌های محلی و همیاری در مدیریت شیر دام‌های گوسفندی چراکننده از مرتع - نمونه‌ای از دانش بومی در روستای لزور، *نشریه علمی پژوهشی مرتع*، سال دهم، شماره ۱.

- رستمی، فرحناز (۱۳۸۵)، اهمیت دانش بومی با تأکید بر نقش زنان روستایی در کاربرد آن، *ماهنامه پژوهش زنان*، شماره ۱۷۰.

- عباسی، اسفندیار (۱۳۸۲)، در جستجوی برکت در قرن بیست و یکم؛ برنامه‌ریزی سیستمی، مسائل توسعه و دانش بومی یاریگری، *فصلنامه انسان‌شناسی*، دوره ۱، شماره ۴.

- عربیون، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، دانش بومی ضرورتی در فرایند توسعه و ترویج، *فصلنامه روستا و توسعه*، دوره ۹، شماره ۱.
- علی‌بابایی عمران، الهه، قربانی، مهدی، مروری مهاجر، محمدرضا و عوافقی همت، محمد (۱۳۹۲)، دانش بومی و سنت‌های محلی در تولید و مدیریت محصولات دام گوسفندی (مطالعه موردی: روستای کدیر، استان مازندران)، *نشریه علمی پژوهشی مرتع*، سال ۸، شماره ۱.
- علی‌بابایی عمران، الهه، مروری مهاجر، محمدرضا، قربانی، مهدی و عوافقی همت، محمد (۱۳۹۳)، اکولوژی فرهنگی؛ تحلیل دانش اکولوژیک بومی در مدیریت دام در دامداری متحرک (مطالعه موردی: گله‌های گوسفندی روستای کدیر در شمال کشور)، *دومین همایش ملی دانشجویی علوم جنگل*، انجمن علمی دانشجویی جنگلداری دانشگاه تهران.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۲)، واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران، *نامه انسان‌شناسی*، دوره اول، شماره چهارم.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۷)، گونه‌شناسی یاریگری‌ها و تعاونی‌های سنتی در ایران، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، دوره ۸، شماره ۲.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۷)، *واره؛ درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- قربانی، مهدی (۱۳۹۱)، نقش شبکه‌های اجتماعی در سازوکارهای بهره‌برداری از مراتع، *پایان‌نامه دکتری، گروه احیای مناطق خشک و کوهستانی*، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
- قربانی، مهدی (۱۳۹۲)، اکولوژی فرهنگی؛ تحلیل دانش اکولوژیک بومی در مدیریت پایدار منابع طبیعی، *سومین کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست*، دانشگاه تهران.

بررسی نقش دانش بومی و سنت‌های محلی زنان در ... ۱۱۹

– کریمی، کبری، کرمی دهکردی، اسماعیل و بادسار، محمد (۱۳۹۴)، نقش جوامع روستایی در حفاظت از مراتع در شهرستان ماه‌نشان، *فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی*، جلد ۳، شماره ۱.

– کریمیان، وحید، صفایی، مژده و متین‌خواه، سید حمید (۱۳۹۳)، استفاده از دانش بومی عشایر راهکاری مناسب جهت مدیریت بهینه اکوسیستم‌های طبیعی، *پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل*، جلد ۲۱، شماره ۴.

- Berkes, F., Colding, J., And Folke, C, 2000. Rediscovery Of Traditional Ecological Knowledge As Adaptive Management. *Journal Of Ecological Applications* (10). 5, 1251–62.
- Ghorbani, M, Azarnivand, H, Mehrabi A.K, Jafari, M, Nayebi, H and Seeland, K (2013), The Role of Indigenous Ecological Knowledge in Managing Rangelands Sustainably in Northern Iran, *Ecology and Society* 18(2): 15, PP. 1-15.
- Herzele, A, Workum, C.M, (2008), local knowledge in visually mediated practice, *journal of planning education and tresearch*, no 27, pp.444-456
- Herzele, A., Woerkum. C.M. (2008). Local Knowledge In Visually Mediated Practice, *Journal Of Planning Education And Tresearch*, No 27, pp. 444- 456.
- Kalland, A., 1994. Indigenous knowledge- local knowledge: prospects and limitation. In *Arctic Environment: A report on the seminar on integration of indigenous peoples' knowledge*. Copenhagen: Ministry of the Environment, the Home Rule of Greenland, pp: 67-150.

- Krywkow, J. and Hare, M. (2008). Participatory process management. *International Congress on Environmental Modeling and Software*, pp. 888-899.
- Ratering, T. & Boskova, I. (2013), Strategies and effects of milk producers' organisations in the Czech Republic, *AGRIC. ECON. - CZECH*, 59, 3. pp. 113- 124.
- Riaz, K. (2008), A Case Study of Milk Processing: The Idara-e-Kissan Cooperative, The Lahore *Journal of Economics*, 13: 1, pp. 87- 128.
- Verlinden, A, Dayot, B, (2005), a comparison between indigenous environmental knowledge and a conventional vegetation analysis in north central Namibia, *journal if arid environment*, vol 62, no 1, pp. 143 - 175.